

## ظهور و سقوط امپراتوری صفوی

● زهرا کشاورز قاسمی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا

بازمانده‌ی خاندان صفوی سال ۱۱۴۸، با ذکر سال و عنوان اصلی رویداد مطرح می‌کند.

### سرآغازی بر یک مقطع تاریخی

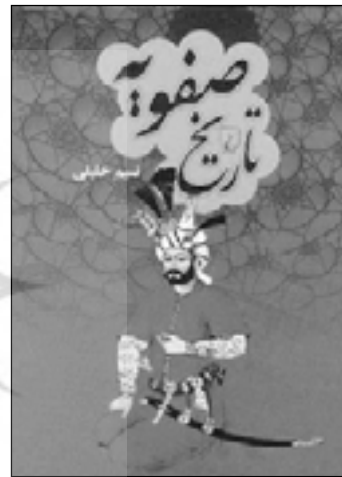
در تاریخ ایران، پس از اسلام ظهور سلسله‌ی صفوی نقطه عطفی است مهم؛ پس از قرن‌ها فرمانروایی بیگانه، ایران دوباره به کشوری قدرتمند در شرق اسلام بدل می‌شود، به رقابتی نزدیک با امپراتوری عثمانی برمی‌خیزد و داعیه‌ی سروری و خلافت عثمانیان را بر ممالک اسلامی رد می‌کند.<sup>۱</sup>

دوره‌ی صفویه بیش از دیگر دوره‌های تاریخی نموداری روشن از اتحاد یک ملت را تحت لوای عناصری قوام‌دهنده و پایدار نشان می‌دهد. یک پارچه‌سازی ایران از ویژگی‌های این دوره‌ی تاریخی شمرده می‌شود؛ به ویژه در مقایسه با فضای تاریخی دیگر سلسله‌ها و دوره‌ها، نمود بیش‌تری می‌یابد. اما مؤلف معتقد است که نخستین رهبران صفوی در این یک‌پارچه‌سازی تلاش آگاهانه‌ای به خرج ندادند و برای دستیابی به چنین اهدافی، از پیش برنامه‌ریزی نکرده و یا نقشه‌ای آرمانی را در پس ذهن خود نپرورده‌اند.<sup>۲</sup>

شاه اسماعیل اول بنیانگذار سلسله‌ی صفویه برای رسمی کردن مذهب شیعه در ایران دو هدف عمده داشت ۱- کوشید با رسمی کردن آیین تشیع به هم‌وردجویی در برابر حکومت ترکمن آق‌قویونلو بپردازد که شیعه بودند و شاه اسماعیل با رسمی کردن تشیع در قلمرو خود می‌کوشید از اهمیت تاریخی آن‌ها بکاهد؛ ۲- با رسمیت بخشیدن به تشیع، در قلمروی که در همسایگی قدرتی سنی مذهب ایستاده بود، می‌کوشید با این کار از فشار سنگین و سهمگین عثمانی بر ایران بکاهد یا دست‌کم بکوشد از زیر بیرق سلسله‌ی معنوی امپراتوری عثمانی خارج شود.<sup>۳</sup> با این همه، اسماعیل در کنار همه این تدابیر سیاسی در حال پایه‌ریزی ایرانی یک‌پارچه بود که تحت لوای آیین رسمی تشیع معنای تاریخی تازه‌ای پیدا می‌کرد.

### نیم‌نگاهی به گذشته

صفویان به گذشته‌ی خود افتخار می‌کردند. آن‌ها می‌کوشیدند به شکل‌های مختلف و با توسل به دستاویزهای گوناگون، از جمله



■ تاریخ صفویه

■ نوشته نسیم خلیلی

■ انتشارات ققنوس؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۴ صفحه

### معرفی کتاب

تاریخ صفویه، نوشته نسیم خلیلی، توسط انتشارات ققنوس در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید. نگارنده ضمن مصاحبه‌ای با خبرگزاری کتاب ایران، انگیزه تألیف کتاب تاریخ صفویه را این‌گونه بیان می‌کند: «انتشارات ققنوس چند سالی است که انتشار مجموعه تاریخ جهان را آغاز کرده است این کتاب‌ها در واقع ترجمه مجموعه کتاب‌های نشر لوسنت است که به حوادث مهم تاریخی، شخصیت‌ها و دوره‌های مهم تاریخ جهان پرداخته است. بعد از استقبال از این مجموعه، نشر ققنوس تصمیم گرفت مجموعه کتاب‌های تألیفی را درباره‌ی تاریخ ایران با همان شکل و سیاق در زمینه تاریخ منتشر کند؛ انتشار تاریخ صفویه نیز در همین راستا صورت گرفت.»

در آغاز کتاب مؤلف رویدادهای مهم تاریخ صفوی را از تولد شیخ صفی‌الدین اردبیلی سال ۶۵۰ ه ق تا فرمانروایی آخرین

## در تاریخ ایران،

پس از اسلام ظهور سلسله‌ی صفوی نقطه عطفی است مهم؛

پس از قرن‌ها فرمانروایی بیگانه، ایران دوباره

به کشوری قدرتمند در شرق اسلام بدل می‌شود.

ظاهراً شیخ زاهد نیز نشانه‌های روشنی در پیشانی جوان می‌بیند و از همان روزها او را بهترین گزینه برای تداوم حیات حلقه‌ی صوفیانه-اش می‌یابد. شیخ زاهد در میان مریدان خویش به او منزلتی ویژه و برجسته عطا کرد و او را رسماً به عنوان جانشین خویش برگزید.<sup>۷</sup> فرزندان و نوادگان شیخ صفی نیز همه دارای شخصیت‌هایی جذاب و مردم‌پسند بوده‌اند و موفق می‌شوند با ایجاد پایگاه‌هایی مردمی، توجه حکومت‌های پراکنده‌ای را که در پاره‌های گسیخته‌ای از گستره‌ی ایران، فرمانروایی داشتند، جلب کنند؛ پایگاه‌هایی که ممکن بود حتی در اثر لغزش حاکمیت‌ها، به کانون‌های مستحکم مبارزه نیز بدل شوند.<sup>۸</sup>

### رهبری که سلطان لقب گرفت

از بین فرزندان و نوادگان شیخ صفی، جنید فرزند ابراهیم، وقتی به رهبری طریقت صفویه رسید، نهضت صفویه باز وارد مرحله مهمی شد. جنید از هنگام تصدی رهبری، علائم آشکاری از تمایل به قدرت دنیوی و پادشاهی نشان داد. وی اولین رهبر صفویه است که لقب سلطان گرفت که نشان‌دهنده‌ی قدرت دنیوی اوست.<sup>۹</sup> وی برای نخستین بار، به ایجاد تشکیلاتی نظامی دست زد. ظاهراً اوزون حسن آق قویونلو از این ابتکار و تصمیم‌وی آگاه می‌شود و برای مصون نگه داشتن قلمروش جنید را به خود نزدیک می‌کند و خواهرش خدیجه بیگم را به او می‌دهد. این ازدواج سیاسی، جنید را به آرامش و فرمانبرداری فراخواند و اوزون حسن نیز متحدی قدرتمند در برابر دشمن دیرینه‌ی خود جهان‌شاه قراقویونلو پیدا کرد. بالاخره در جنگی که در شیروان بین جهان‌شاه قراقویونلو و جنید رخ داد، رهبر بلندپرواز صفوی کشته شد.<sup>۱۰</sup>

### مردی با کلاهی سرخ رنگ

حیدر جانشین جنید نیز، مردی قدرتمندی بود که کلاه مخصوص قرمز رنگی را که دوازده ترک به مناسبت دوازده امام شیعه داشت و در خواب توسط امام علی به وی آموخته شده بود، برای پیروان خود ابداع کرد. از آن پس، این کلاه مشخصه‌ی طرفداران دودمان صفوی گشت.<sup>۱۱</sup> حیدر نیز در جنگی که با آق قویونلوها در شیروان داشت کشته شد. دوره‌ی رهبری جنید و حیدر

شجره‌سازی‌های شاید جعلی، نسب خود را به یکی از امامان معصوم برسانند. بر آن بودند که از پیشینیان و نیاکان خود نیز چهره‌هایی برجسته ترسیم کنند. نخستین شخصیتی که در میان اجداد صفویان صاحب اسم و رسم است و ظاهراً دستی هم در عرفان داشته، فیروزشاه زرین کلاه است؛ زمین‌دار مشهوری که ناحیه‌ی اردبیل را به عنوان تیول و در واقع به عنوان پاداش خوش‌خدمتی خویش، از یکی از شاهان که او را از فرزندان ابراهیم ادهم معروف دانسته‌اند؛ می‌پذیرد. مؤلف در این قسمت به شرح حال فیروز شاه زرین کلاه می‌پردازد که چگونه اردبیل به عنوان تیول به او واگذار شد و چگونه مردم آن سرزمین را به دین اسلام فراخواند و مسلمانشان کرد.<sup>۱۲</sup>

### آیا صفویان از ابتدا شیعه بودند؟

صفویان در تلاش تاریخی، به ویژه در زمان طهماسب اول، برای خود شجره‌نامه‌ای مفصل تدارک دیدند و نسب خود را به امام موسی کاظم (ع) رساندند. مؤلف با استناد به نوشته‌های احمد کسروی معتقد است که در هیچ یک از طومارها و قباله‌هایی که از دوره‌ی شیخ صفی بازمانده است، از شیخ با لقب سید یاد نشده است؛ درحالی‌که او در دوره‌ای از تساهل مذهبی مغولان می‌زیسته که ابلخانان، به تناوب حتی به تشیع می‌گرویده‌اند و مشاوران برجسته‌شان، فقهای نامدار شیعه از جمله علامه حلی بوده‌اند.<sup>۱۳</sup>

مؤلف علاقه و اهتمام مورخان و شاهان صفوی، مبنی بر کوشش در انتساب به امامان شیعه را برداشتی آزاد یا شکل‌گیری دیگری از باور و نظریه‌ای که در دل خود، اندیشه‌ای نوظهور دارد و آن اندیشه عبارت است از پیوند گسست‌ناپذیر و ناگزیر میان تصوف و تشیع، به‌ویژه در دل شجره‌نامه‌های منتسب به صوفیان، می‌داند و معتقد است که ایجاد شک و تردید در شجره‌نامه‌ی صفویان در رأس این شجره‌نامه مشهود است و در باقی اسامی نمی‌توان تردید چندانی جز در ریزه‌کاری‌ها، روا داشت.<sup>۱۴</sup>

### شیخ صفی‌الدین اردبیلی

وی مهم‌ترین جد خاندان صفوی بود. همه‌ی موافقان و مخالفان صفوی در بزرگی و کرامت این شیخ با هم متفق‌القولند. شیخ صفی‌الدین در سن چهارده سالگی از اردبیل برای پیدا کردن مرید خود خارج می‌شود تا این که به شیخ زاهد گیلانی می‌رسد.

## بیشترین مدت دوره‌ی ۲۳ ساله فرمانروایی شاه اسماعیل به نبرد و مبارزه گذشت. هنگامی که اسماعیل در تبریز تاج بر سر نهاد، تنها بر ناحیه‌ی آذربایجان تسلط داشت. ده سال طول کشید تا توانست بقیه‌ی ایران را فتح کند

بود. مؤلف معتقد است که اتکای بیش از اندازه‌ی رهبران صفوی به عناصر معنوی برای اداره‌ی جامعه، باعث می‌شد برای توجیه درستی کار خود، به ریسمان‌هایی از تشیع و عرفان متوسل شوند.<sup>۶</sup>

بیشترین مدت دوره‌ی ۲۳ ساله فرمانروایی شاه اسماعیل به نبرد و مبارزه گذشت. هنگامی که اسماعیل در تبریز تاج بر سر نهاد، تنها بر ناحیه‌ی آذربایجان تسلط داشت. ده سال طول کشید تا توانست بقیه‌ی ایران را فتح کند. مراحل اصلی گسترش امپراتوری صفویه عبارت بود از شکست بازمانده‌ی نیروهای آق قویونلو نزدیک همدان (۹۰۹) به انقیاد در آوردن نواحی مازندران و گرگان (۹۰۹) آرام ساختن مرزهای غربی و الحاق دیار بکر (۹۱۰-۹۱۲) تسخیر بغداد و فتح جنوب غربی ایران (۹۱۳) به انقیاد در آوردن شیروان (۹۱۵) فتح خراسان (۹۱۸) لشکرکشی به مازندران (۹۰۹) و بزرگ‌ترین پیروزی اسماعیل در جنگ با ازبکان، در مرو به دست آمد.<sup>۷</sup>

تأسیس دولتی با ایدئولوژی رزمنده شیعی در جوار مرزهای شرقی امپراتوری سنی مذهب عثمانی تهدیدی جدی برای این امپراتوری محسوب می‌شد؛ به ویژه به دلیل حضور تعداد زیادی ترکمن در داخل مرزهای امپراتوری عثمانی که نسبت به ادعاهای شاه اسماعیل مبنی بر این که وجودی نیمه خداسست، همدلی داشتند و از تلاش وی برای برقراری دولتی شیعی در ایران حمایت می‌کردند.<sup>۸</sup> بی‌شک گرایش بسیاری از اتباع عثمانی در آناتولی به صفویان، به واسطه‌ی تبلیغات سیاسی - مذهبی آنان دلیل عمده بروز جنگ بین دو دولت بود.<sup>۹</sup> بزرگ‌ترین و سرنوشت‌سازترین جنگ اسماعیل با عثمانی‌ها، در چالدران اتفاق افتاد که به شکست صفویان انجامید و بعضی از مطلعین، پیروزی عثمانیان را در چالدران، در درجه‌ی نخست دلایل لجستیکی می‌دانند. شاه اسماعیل اول گرچه تجربه‌ی اداری و سیاسی روشنی در پس ذهن خود نداشت، اما کوشید با پایه‌گذاری تشکیلات اداری نسبتاً کارآمد، حیات حاکمیت خویش را تضمین کند. مؤلف به صورت اجمالی ساختمان اداری صفویه را در زمان شاه اسماعیل شرح داده است.

### پادشاه جمشید چاه

طهماسب، بزرگ‌ترین پسر اسماعیل در سن ۱۲ سالگی بر تخت

همراه با تقویت شبکه‌ی وسیعی از تبلیغات مذهبی و مستمر، دوره - ای پرنوسان از مبارزه و تأسیس شمرده می‌شود، دوره‌ای که کم‌کم نشانه‌هایی از کام‌جویی و دنیاخواهی رهبران طریقت را بروز می‌دهد و باعث می‌شود برخی فقه‌های منتسب به سنت راست‌کیشی جامعه، زبان انتقاد بکشایند و ماهیت متحول‌بنده‌ی طریقت صفوی را زیر سؤال برند. از جمله مهم‌ترین این فقه‌ها می‌توان به **فضل‌الله بن روزبهان خنجی** اشاره کرد.<sup>۱۱</sup>

جانشین بلافضل حیدر، یعنی **سلطان علی** نیز سومین قربانی نبردی بدفرجام با شروان‌شاه بود. اما این روند در طول زمان از سوی بازماندگان خاندان صفوی تعقیب شد. فرزندان و خانواده حیدر که بر اثر یک انتقام‌جویی شتاب‌زده از سوی **رستم پادشاه**؛ جانشین **یعقوب بایندی**، به زندانی به نام قلعه کلات افکنده شده بود، بعد از یک بار آزادی که برای به مبارزه واداشتن سلطان علی و نیروهای ورزیده‌اش در نبردی بی‌سرانجام بود؛ مجدداً در مظان تردید قرار گرفتند تا بدان جا که رستم تصمیم به قتل عام مریدان شیخ صفی گرفت. این اتفاق منجر به فرار علی و همراهانش شد و اداره‌ی نهضت نیز به علت این که برادر بزرگ‌تر ابراهیم به آق قویونلوها پناهنده شده بود، به برادر کوچک‌تر اسماعیل واگذار شد.<sup>۱۲</sup>

### تشکیل سلسله

تنها بازمانده‌ی قدرتمند خاندان صفوی اسماعیل بود. او به عنوان رئیس طریقت صفویه برگزیده شد. اسماعیل به انگیزه‌ی انتقام‌جویی از شروان‌شاه به مبارزه و تکاپو برخاست. وی نخستین نبرد خود را آغاز کرد، نبردی سرنوشت‌ساز در نزدیکی قلعه‌ای به نام گلستان، نتیجه‌ی نبرد به سود اسماعیل بود. این پیروزی به اسماعیل شهامت و انگیزه‌ی دوچندان داد. وی تبریز را متصرف شد و آن جا را پایتخت خود قرار داد.<sup>۱۴</sup> مهم‌ترین کار او اعلام تشیع اثنی‌عشری یا دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی کشور جدید صفویه بود. تشیع اثنی‌عشری شالوده‌ی یکی از پایه‌های قدرت رهبران صفویه بود. یعنی ادعای آن‌ها مبنی بر این که نماینده‌ی امام دوازدهم مهدی (ع) هستند.<sup>۱۵</sup> اسماعیل در خواب امام علی (ع) را دیده و او اسماعیل را برای اجرای هدفش انگیزه بخشیده



بهتری به همه مرزهای قلمرو امپراتوری خود داشته باشد. بعد از انتقال، به همت یک دانشمند ایرانی طرح شهری ماندگار ریخته شد. و اصفهان با یادگارهای معماری و شکوفایی هنری دوره شاه عباس بر دیواره های خود ساخته شد که توانست با نیمی از جهان برابری کند.<sup>۲۲</sup> مؤلف بناهای بسیار زیبا از لحاظ معماری که شاهکاری در زمان شاه عباس محسوب می شد را شرح داده است.

### نگاهی به هنر و صنعت در عصر صفوی

بررسی شکوه هنر معماری در دل پایتخت صفویه، مورخ را بیش از هر چیز به تلاش برای یافتن نشانه های شکوفایی هنری دوره صفوی برمی انگیزاند. واقعیت این است که شاخه های گوناگون هنری در دوره صفویه با استقبال شاهانی که میراث هنری ارزنده ی دوره ی تیموری را به ارث برده بودند و در پاسداری از آن مصرانه می کوشیدند، به رشد چشمگیری نزدیک شد.<sup>۲۳</sup> در دوره ی صفویه فلزکاری، نقاشی، تذهیب، کتاب سازی، معماری، قالی بافی، نساجی، سفال سازی رو به گسترش نهاد و به فعالیتی در سطح کشور ارتقاء یافت.

**شاه عباس با درایتی بی مانند موفق شد کنترل تجارت خارجی را با انحصار تجارت بسیاری از کالاهای معتبر در داخل کشور، به دست گیرد و ایران را در تولید و خودکفایی محصولات منحصربه فرد به درجه ای عالی از موفقیت برساند**

نشست وی از سوی مورخان با القابی همچون (جمشید جاه) و سلیمان خصال وصف می شود و آغاز حکمرانی او را به شادی و فرخندگی ترسیم می کنند. اما واقعیت این است که بعد از مرگ شاه اسماعیل، با توجه به پیشینه تغییراتی که در بنیادهای اداری حاکمیت صفوی رخ داده بود و همگی معلول تردیدها و سوءظن های شاه نسبت به قزلباشان بود، اختلافی تاریخی میان طوایف قزلباشان پدید آمد، موقعیت قزلباشان در واپسین سال های حیات و حکمرانی شاه اسماعیل به اضمحلال گراییده بود و این شکاف عمیق در بدنه ی قدرت صفوی نخستین نشانه های خود را به شکلی دردناک و البته گریزناپذیر در دوره ی شاه طهماسب بروز داد. برخی مورخان همچون **ابوالقاسم طاهری** این شکاف و چنددستگی ناگهانی را که همانند بحرانی جدی پیکره ی قدرت صفوی را تهدید می کرد، صرفاً به ضعف و ناتوانی شاه جوان در حل و فصل منازعات درونی نسبت می دهند و از ریشه یابی این بحران درمی مانند، اما مؤلف معتقد است که این شکاف از دوره های گذشته آرام آرام در حال شکل گیری بود و در آغاز این سال های حکمرانی، شاه ی خردسال که از این نظر می توانست به آلت دستی منعطف بدل شود، خود را نشان داد. منازعات حتی تا دل دربار نیز دامان گسترانید و شاه را هم وارد معادلات بی سرانجام خود کرد.<sup>۲۴</sup>

در دوران شاه طهماسب، جنگی با ازبکان صورت می گیرد که به جهت اهمیت این نبرد، خود طهماسب دلاورانه قدم در عرصه ی نبرد می نهد و سربازان خود را به مبارزه تشویق می کند. ازبکان بدنه ی ایدئولوژیک نهضت صفویه را نشانه گرفته بودند و به همین جهت است که می توان این نبرد را در واقع نوعی نبرد اعتقادی میان غلاة طرفدار صفویان که اندیشه شیعی گری را به نوعی ایدئولوژی مبارز و افراطی بدل کرده بودند و ازبکان سنی که می کوشید ارزش اسلام سنی را مجدداً به جهان اسلام بازگردانند قلمداد کرد.<sup>۲۵</sup>

از مهم ترین وقایع در روزگار طهماسب، انعقاد پیمان نامه صلح میان ایران و عثمانی است که در تاریخ به نام **معاهده ی آماسیه** شهرت دارد و برای مدتی هر چند کوتاه، مهر پایانی بر سال ها جنگ میان دو کشور نهاد.

### مردی که با کودتا به قدرت رسید

**شاه عباس صفوی** توانست با حمایت قزلباشان از طریق کودتا علیه پدرش بر تخت نشیند. او بزرگ ترین پادشاه قدرتمند سلاله صفوی است. مردی که به کانون اندیشه رورزی محققان درباره عظمت و اقتدار سلسله تاریخی و بزرگ تبدیل شد. اقدامات مدبرانه ی شاه عباس باعث شد محققان او را با پسوند کبیر بشناسند و سلسله ی صفویه را نیز یک امپراطوری تمام عیار بخوانند.<sup>۲۶</sup>

عباس میرزا بعد از رسیدن به سلطنت، پایتخت خود را از قزوین به اصفهان منتقل کرد. هدف شاه این بود که به این وسیله دسترسی



### شکوفایی تجارت و روابط با غرب

از دیگر فعالیت‌های درخشان شاه عباس، تلاش و موفقیت او در گستره‌ی تجارت داخلی و خارجی است. شاه عباس با درایتی بی‌مانند موفق شد کنترل این گستره را با انحصار تجارت بسیاری از کالاهای معتبر در داخل کشور، به دست گیرد و ایران را در تولید و خودکفایی محصولات منحصربه‌فرد به درجه‌ای عالی از موفقیت برساند. در زمینه‌ی تجارت خارجی، وی انعطاف و تساهل مذهبی داشت و این کار به یکی از ابزارهای کارآمد برقراری ارتباط شکوفا با غرب گشت. هرچند سیاست تجاری شاه عباس در درازمدت ضربه‌های سنگین بر بیکره‌ی دولت صفوی وارد کرد<sup>۲۵</sup>.

### دولت صفویه در سرآشویی

بعد از مرگ شاهنشاه بزرگ، شاه عباس، مردانی که زنجیره‌وار از بی‌او برخاستند، مردانی اغلب ضعیف و ناتوان بودند و این فاجعه در واقع فرزند نامشروع مادری بود که به نام نظم بخشیدن به کشور، نامهربانانه تربیت شاهزادگان را در محیطی پویا به دست فراموشی سپرده بود. شاهزادگان به دستور پدر در دل حرم‌سراها محبوس بودند و بعد از تکیه زدن بر اریکه قدرت، حتی اندک توانایی هم برای اداره‌ی درست کشور نداشتند و به این ترتیب بود که دولت در مسیر سرآشویی قرار گرفت<sup>۲۶</sup> و سرانجام دولت صفویه

توسط افغان‌ها رو به زوال رفت. **مینورسکی** دلایل فروپاشی سلسله صفوی را بدین گونه برمی‌شمارد:

۱- محو و نابودی کامل هسته اصلی حکومت متشرعین که بدون جانشین شدن ایدئولوژی پویای دیگری، شاه اسماعیل بر اساس آن دولت خود را بنیاد گذاشت؛  
۲- تضاد شدید میان عناصر جدید و قدیم طبقات نظامی ایران؛

۳- اختلال توازن میان ممالک و خاصه که توسعه ناروای خاصه علایق طبقات خدمت‌گذار را به هواخواهی از مقصود تقلیل داد؛

۴- ماهیت غیرمسئول حکومت پشت پرده که ملکه و خواجه-سرایان مظهر آن بودند و فساد پادشاهان این سلسله که نوابوگان خود را در چهار دیوار حرم در بی‌خبری محض نسبت به دنیای خارج بار می‌آوردند<sup>۲۷</sup>.

مینورسکی با این موارد، نشان داد که چگونه برخی تدابیر که حتی به نظر می‌رسد برای بقای دولتی قدرتمند پی‌ریزی شده‌اند، در درازمدت به سست شدن پایه‌های آن دولت منجر می‌شوند. با این حال دوره‌ی تاریخی صفوی، دوره‌ای درخشان بود و توانست با ویژگی‌های خود این دوره‌ی تاریخی را از دوره‌های قبل و بعد از خود متمایز کند.

ویژگی‌های بارز این دوره‌ی تاریخی عبارت است از:

۱. بحث تغییر مذهب در ایران که شیعه دوازده امامی به عنوان



اخبار و وقایع تاریخی به طور مستمر بپردازد؛ بلکه با لحنی داستانی و به‌کارگیری ترفندهای ادبی، کتاب را جذاب‌تر و خواندنی‌تر کرده است.

#### پی‌نوشت:

۱. سیوری، راجر؛ ایران عصر صفوی؛ ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸، ص ۹.
۲. خلیلی، نسیم؛ تاریخ صفویه؛ نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۰.
۳. همان، ص ۱۱.
۴. همان؛ صص ۱۵-۱۶.
۵. همان؛ ص ۱۸.
۶. همان؛ ص ۱۹.
۷. همان؛ ص ۲۱.
۸. همان؛ ص ۲۲.
۹. ایران عصر صفوی، راجرسیوری، ص ۱۵.
۱۰. خلیلی، صص ۲۵-۲۶.
۱۱. ایران عصر صفوی، راجرسیوری، ص ۱۹.
۱۲. خلیلی، ص ۲۷.
۱۳. همان، ص ۲۸.
۱۴. همان، ص ۳۱.
۱۵. ایران عصر صفوی، راجرسیوری، ص ۲۶.
۱۶. خلیلی، ص ۳۲.
۱۷. ایران عصر صفوی، راجرسیوری، ص ۳۴.
۱۸. همان، ص ۳۷.
۱۹. همان، ص ۳۸.
۲۰. خلیلی، ص ۴۷.
۲۱. همان، ص ۵۰.
۲۲. همان، ص ۶۴.
۲۳. همان، ص ۷۳.
۲۴. همان، ص ۸۰.
۲۵. همان، ص ۸۵.
۲۶. همان، ص ۸۷.
۲۷. همان، ص ۱۰۵.

مذهب رسمی کشور اعلام کرد؛

۲. ماهیت سیاسی و سرزمینی حکومت صفویان، که با روی کار آمدن صفویان دوره‌ی ملوک الطوائفی و هرج و مرج پس از حمله‌ی تیمور پایان می‌یابد و یک واحد سیاسی مستقل و یک حکومت ملی تشکیل می‌شود؛

۳. برقراری روابط تجاری با غرب؛

۴. حذف شدن سرزمین ایران از چرخه‌ی تجارت جهانی که در پی مسدود شدن راه زمینی جاده ابریشم صورت گرفت.

#### نکاتی چند در باب کتاب

- مؤلف در این کتاب به بررسی رویدادها و وقایع مربوط به دوره‌ی صفوی پرداخته است. به نظر می‌آید بیشتر به شرح رویدادها پرداخته شده و تحلیل کمتری صورت گرفته است. با توجه به مؤلفه‌هایی که در کتاب یافت می‌شود، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مخاطبان اصلی این کتاب دانشجویان نیستند؛ بلکه نوجوانانند. دلایلی که برای این مسأله می‌توان ذکر کرد از این قرار است: ۱- مؤلف در لابه‌لای متن سعی بر توضیح برخی مسائل و مفاهیم در یادداشت‌های آخر کتاب کرده است. مفاهیمی که برای افراد حوزه دانشگاه قابل فهم و شناخته شده است؛ ولی اگر هدف از این کار نوجوانان باشند مفاهیم مندرج قابل تأمل خواهد بود ۲- مؤلف در برخی از صفحات کتاب، شخصیت‌ها، حوادث و یا مسائل فرهنگی و تاریخی را برای جذابیت بیشتر در کادرهایی جدا از متن برجسته کرده و شرح داده است؛ ۳- کتاب برای جذابیت بیشتر مصور شده و در آن از تصاویر مرتبط با حوادث تاریخی نظیر نقاشی‌های دوره صفویه و تصویر آثار ابنیه آن دوره استفاده شده است. اگر این نتیجه درست باشد، بهتر بود خانم خلیلی در مقدمه کتاب هدف و مخاطب خود را معرفی می‌کرد.

- نگرش مؤلف در این اثر بدین گونه است که وی در دوره‌ی هر پادشاهی هرآنچه که در آن دوره مهم و از مسائل اساسی بوده است، برجسته کرده و در کتاب خود منعکس نموده است. به طورمثال در دوره شاه اسماعیل رسمی کردن تشیع اثنی عشری و یا جنگ چالدران و یا در دوره شاه عباس رشد تجارت و بازرگانی در داخل و خارج کشور و یا شکوه و عظمت معماری.

- نگارنده از منابع معتبر عصر صفوی بهره برده و هر جا که لازم بوده به این منابع ارجاع داده است. داده‌هایی که ارائه شده هستند و موثق هستند.

- در آخر کتاب صفحه‌ای با عنوان «برای مطالعه‌ی بیشتر» اختصاص داده شده که نگارنده در آن به معرفی منابع دوره صفوی پرداخته و آگاهی کاملی از منابع را به مخاطبان خود ارائه کرده است. - مؤلف خود داستان نویسنده است و نخواستار است به بازگویی